

ثبت روایتی غم‌انگیز از مجسمه فردوسی

شکیبا افخمی راد



حمیدسبحانی،عکاس مشهدی که در عرصه مستند فعالیت می کند،برنده بخش مجموعه عکس مستنداز ششمین دوره نشان عکس سال مطبوعاتی ایران شده است، مجموعه‌ای بنام،آخر شاهنامه، کهتابه امروزمنتشر نشده وقرار است به زودی به صورت مجازی رونمایی شود،البته سال گذشته یک تک عکس از این مجموعه در اولین دوره جایزه مطبوعاتی سال خراسان که شهرا را برگزار کرد، رونمایی و دارای رتبه شد.سبحانی در مجموعه،آخر شاهنامه،،مراحل ساخت مجسمه بزرگ ابوالقاسم فردوسی را ثبت کرده است؛مجسمه‌ای که قرار بود در دانشگاه فردوسی نصب شود.ولی الان هر کدام از قطعاتش در سمتی از مشهد خاک می خورد.باسبحانی در باره این مجموعه وعکاسی مستند در مشهد صحبت کرده‌ایم که در ادامه می خوانید.

● مجموعه عکسی درباره ساخت مجسمه فردوسی

سبحانی درباره چگونگی شکل گرفتن مجموعه عکس «آخر شاهنامه» که در ششمین دوره نشان عکس مطبوعاتی ایران دارای رتبه شد، توضیح می دهد: سال ۱۳۹۸ اعلام شد که مجسمه بزرگی از ابوالقاسم فردوسی (حدود ۴۰ متر) برای نصب در دانشگاه فردوسی مشهد ساخته می شود. آن زمان من با سازنده اثر صحبت کردم تا از مراحل کار عکس بگیرم، چون این مجسمه داشت عنوان بزرگ ترین مجسمه تاریخ ایران و همچنین یکی از مجسمه های بزرگ جهان و بزرگ ترین مجسمه مفاخر ادبی جهان را بدک می کشید، ضمن اینکه تضاد قدی میان افرادی که حد اکثر قدشان ۱۷۰ تا ۱۹۰ سانتی متر است، در کنار ابعاد بزرگ مجسمه از لحاظ بصری جذاب بود. به گفته او و مراحل ساخت و نصب مجسمه به تنهایی بار دراماتیک و ژوئالیستی ندارد اما چالش هایی که بر سر راه پروژه ایجاد شده است، درام داستان را به وجود آورده است.

برنده بخش مجموعه عکس مستند از ششمین دوره نشان عکس سال مطبوعاتی ایران، در باره این چالش هاییان می کند: این مجسمه قرار بود اردیبهشت سال ۱۳۹۹ هم زمان با روز بزرگداشت فردوسی نصب شود که کرنا در کشور شیوع پیدا کرد و کار تعطیل شد. کم کم زمزمه هایی از گوشه و کنار، در باره متوقف شدن ساخت مجسمه و شاید نصب نشدن آن به گوش می رسید. اما در نهایت ساخت قطعات مجسمه که قرار بود سه یا چهار ماه طول بکشد، در طول سال ۱۴۰۰ تمام شد، منتها این اثر هیچ وقت به مرحله نصب نرسید. عکاس شهرمان یادآوری می کند: الان تعدادی از قطعات آن در یک سمت شهر

محمد عنبرسوز



اولین فیلم بلند فرزند ابراهیم حاتمی کیا، کارگردان پرآوازه و با سابقه سینمای ایران، همه پیش داوری ها و حدسیات مردم و منتقدان را کنار زد و مسیر تازه یوسف را به مخاطبان نشان داد. «شب طلایی»، جز نام خانوادگی کارگردانش واسم ابراهیم حاتمی کیا به عنوان تهیه کننده (که به گفته خود او صرفا برای حل مسائل اداری در تیتراژ آمده است)، هیچ نسبتی با سینمای ایدئولوژیک و اشنای کارگردان آژانس شیشه‌ای ندارد. این فیلم یک درام سرراست و بحث برانگیز است که در فضایی خانوادگی، به مضامین اخلاقی و انسانی می‌پردازد. در باره اثری حرف می‌زنیم که از آثار فرزند ان فیلم اولی سینماگران بنام که در سال های اخیر تعدادشان هم روزه افزایش بوده است. یک گام جلوتر است، با این حال ضعف های جدی و قایل اشاره ای هم در «شب طلایی» وجود دارد که به طور مشخص در نیمه دوم اثر نمایان می شوند.

● احترام خالصانه

مهم ترین برگ برنده مضمونی «شب طلایی»، تلاش فیلم ساز برای تمجید از جایگاه مادر است. یوسف حاتمی کیا اولین فیلمش را با توجه به مقام مادر ساخته است و اتفاقا شیوایی این روایت، بیشتر از چیزی است که حتی خودش تصوری می کند، زیرا در غیر این صورت، نیازی به نقش بستن این تجلیل بر روی تیتراژ پایانی نمی دیند. فارغ از ارزش اخلاقی این موضوع، فیلم توانسته است به یک بیان روشن و مفهوم برای همه مخاطبان دست یابد، اتفاقی که این روزها کم اثری در سینمای ایران، می تواند با این سطح از وضوح و دسترس پذیری آن را

عکاس مستند به خصوص در یک مجموعه عکس به سمت تولید یک اتفاق و روایت کردن می رود؛ مانند موضوع یچه های بی شناسنامه. اما عکاس خبری، هدفش اطلاع رسانی سریع موضوع و اتفاق است. در واقع ارزش زمانی برای عکاس خبری بیشتر است. همچنین کارش، بار ژورنالیستی بیشتری از عکاسی مستند دارد. اما در مجموعه می توان گفت این دو

به گفته سبحانی، بزرگ بودن پروژه، سختی کار افرادی که اجرای آن را برعهده داشته اند و چالش های بیرونی کار، منجر به شکل گیری مجموعه عکس «آخر شاهنامه» شده است. نامی که از ضرب المثل معروف «شاهنامه آخرش خوش است» گرفته شده است، البته اینجا معلوم نیست آخر داستان چه اتفاقی رخ می دهد.

● عکاسی مستند و خبری از یک خانواده هستند

سبحانی بیشتر عکاس مستند شناخته می شود. ولی این بار نامش در کنار جشنواره عکس مطبوعات آمده است. از او درباره ارتباط میان این دو ژانر عکاسی می پرسیم که پاسخ می دهد: عکاس خبری و مستند، ویژگی های مشترکی دارند، هر دو روی آن ها به یک موضوع یا اتفاق یا رویداد اجتماعی در سطح ملی و کشوری استناد می کنند؛ به طور مثال وقتی عکاس خبری از یک سخنرانی و بازدید عکس می گیرد، در حال مستند کردن اتفاق و ارائه سندی از آن است. از آن سمت هم ممکن است یک عکاس مستند سراغ موضوعی مانند کشف رود برود و به آن بپردازد و استاد کند. در واقع وجه مشترک عکس خبری و مستند، استناد و واقعی بودن اتفاق است. او همچنین بیان می کند: البته این دو ژانر با هم تفاوت هایی نیز دارند،

بلوغ مادرانگی

نگاهی به فیلم سینمایی «شب طلایی»، نخستین اثر یوسف حاتمی کیا



رقم بزند.

● جمعیت روی پرده

تعداد زیاد شخصیت های فیلم و روابط پیچیده خانواده ای آن ها از نکاتی است که می توانست، «شب طلایی» را زمین بزند یا دست کم کلیت فیلم را به مجموعه ای تکه چسبانی شده از داستان های کوچک و متناثر در باره شخصیت هایی از جهان های مختلف که صرفا با یکدیگر نسبت خوشاوندی دارند، تبدیل کند. نویسنده این اثر اما به خوبی موفق شده است نوعی هم گرایی در قصه ایجاد کند و داستان های جداگانه افرادی با پیشینه های مختلف را تحت انسجام روایی در خورتوجهی قرار دهد که منجر به خلق یک جمع بر روی پرده سینما می شود؛ چیزی که نمونه اش را، در سال های اخیر، در کمتر فیلم ایرانی دیده ایم (شاید «قسم، و ۲۲ نفر»)،

● هنرپیشه های خدوم

بازیگران «شب طلایی»، بازوهای اجرایی



عکس: حمید سبحانی

لژرومانی تواند عکاس مستند خوبی هم باشد و بر عکس، اما اتفاقی شدنی است که به تمایلات درونی و استعداد های فردی برمی گردد.

● ضرورت قصه گوئی در عکاسی مستند

سبحانی که پیش از این با تک عکسی از مجموعه عکس «آخر شاهنامه» در اولین دوره جایزه مطبوعاتی سال خراسان حضور پیدا کرده و دارای رتبه شده است، نظرش را در باره گرفتن تک عکس یا مجموعه عکس در عکاسی مستند چنین بیان می کند: من ارزش گذاری نمی کنم، ولی این دو تفاوت هایی با هم دارند. دنیای امروز، اصل عکاسی مستند را بر مبنای داستان و روایت می گذارد. حتی در آورد های بزرگ جهان، زیبایی شناسی عکاسی -بعد از داستان و روایت- در اولویت دوم قرار می گیرد. شکل گیری روایت و قصه هم در مجموعه عکس، خیلی بهتر و بیشتر رخ می دهد، چون شما باید یک سلسله عکس داشته باشید تا بتوانید روایت را مثل هر پلان و سکانس فیلم نقل کنید؛ اتفاقی که در تک عکس کمتر رخ می دهد. اما ممکن است یک تک عکس هم بار دراماتیک زیادی داشته و بسیار تأثیر گذار باشد؛ مانند عکسی که محسن بخشنده از پرچم بادزده روی صورت سرباز گرفته است، از این رو نمی توان بین تک عکس و مجموعه عکس مستند ارزش گذاری کرد.

او با تاکید بر ضرورت قصه گو بودن آثار مستند می گوید: من به دو دلیل بر این موضوع تاکید می کنم، اول اینکه رویکرد جهانی نه به تأیید من بلکه به تأیید بسیاری از استادان و پیشکسوتان به سمت قصه گوئی رفته است. دوم اینکه من خودم

دستی در نوشتن دارم، از این رو اهمیت قصه گوئی برایم بیشتر و پر رنگ تر است. از سبحانی در باره اهمیت دادن به قصه گوئی در عکاسی مستند مشهدی می پرسیم که پاسخ می دهد: من به طور کلی عکاسان مشهد را اهل تک عکس می دانم ولی این رویکرد از حدود دو یا سه سال گذشته، کمی بهتر شده و تغییر کرده است؛ البته مشهد هنوز با وضعیت مطلوب روایت در عکاسی فاصله دارد.

عکاس مشهدی یادآوری می کند: آموزش و حضور افراد موثر و صاحب نظر یکه می توانند در این زمینه کمک کنند باشد. اما متأسفانه ما افرادی کمی در مشهد داریم که بتوانند تجربیات خود را در این حوزه انتقال دهند.

● استقبال نکردن نسل جدید از عکاسی مستند

سبحانی در پایان صحبت هایش، در باره چالش های عکاسی مستند در مشهد می گوید: استقبال نکردن نسل جدید از این موضوع، محدودیت هایی که گاه سازمان ها ایجاد می کنند و دغدغه های مالی، باعث می شود که کمتر شاهد عکاسی مستند در مشهد باشیم. او بر ضرورت تعریف مشوق ها نیز تاکید و بیان می کند: او خرده ها، و اوایل دهه ۹۰، جشنواره ای با نام «جشنواره ملی عکس» در مشهد برگزار می شد که بسیاری به پویایی شهر کمک کرده بود. می توان گفت عکس ها و کتاب های چاپ شده در این رویداد به نوعی تاریخ مشهد محسوب می شوند اما الان چنین رویدادی برگزار نمی شود. در حالی که این گونه رویدادها می توانند بسیار به رشد عکاسی کمک کنند. این هنرمندان ادامه می دهد: عکاسی مستند، سخت و زمان بر است، ضمن اینکه پول زیادی هم برای عکاس ندارد. از آن طرف یک عکاسی سهل الوصول تر به دلیل حضور شبکه های اجتماعی، باب شده است که مخاطب عام بیشتری دارد. پول بیشتری برای عکاس به همراه دارد و سختی های آن نیز کمتر است. از این روش باید بسیاری به سمت عکاسی مستند نیایند. بخشی از این اتفاق هم به امثال ما و استادان کار برمی گردد که باید کمی بیشتر برای جذب جوانان سرمایه گذاری کنیم. او ابراز امیدواری می کند که رویدادی مانند جشنواره ملی عکس مشهد، برگزار و تکرار شوند تا فضای عکاسی شهر بار دیگر، پویایی برسد.

سبحانی همچنین به محدودیت های به وجود آمده برای گرفتن عکس در فضاهای عمومی اشاره می کند و می گوید: چند سال پیش به راحتی می شد در پارک ملت عکس گرفت. اما الان با مجوز هم به سختی می توان در این فضا عکاسی کرد. امیدوارم این مشکل رفع شود، چون با کم شدن محدودیت ها، بی شک اتفاقات بهتری برای عکاسی رخ می دهد.

است از این گره ساده عبور کند و مسیرش را به سمت پرداخت شخصیت هایی باورپذیر در جهان امروز هموار سازد. روابط خانوادگی، عشق، احترام بین افراد، آسیب های مختلف اجتماعی و اقتصادی و مهم تر از همه تمجید از خانواده با محوریت مادر، بخشی از موضوعات ریز و درشتی هستند که شکل گرفتن آن ها مدیون همان گره ساده اول است که به مثابه موتور محرکه درام عمل می کند، هر چند که فیلم می توانست با نیروی اولیه بهتری هم به همین دستاوردها برسد.

بهترین لحظات «شب طلایی» از شروع همین گره افکنی تا آن دکی پس از نیمه اول قصه رقم می خورد، جایی که فیلم ساز می تواند شخصیت ها را یکی پس از دیگری و بر مدار همین ماجرای سمبولیک، پرداخت کند و روابطشان را بشکافد. از نیمه نخست به بعد اما، تعداد قصه های فرعی به شکل کنترل ناپذیری افزایش می یابد و به نظر می رسد که کار مدیریت درام تا حدی از دست فیلم ساز خارج شده است. دوسه شخصیتی که در نیمه دوم به خانه وارد می شوند، عملا غیر ضروری هستند. فیلم را وارد چرخه ای معیوب می کنند. پرداختن به موضوعاتی همچون سرباز کردن عشق های قدیمی، استعمال ماده مخدر توسط مردم حه خانواده، ورود کار آگاه و طلاب با به جمع و... از رخداد هایی هستند که نمی توانند کمک شایانی به کلیت اثر بکنند. این روند ربه افول، در پایان بندی «شب طلایی» به نقطه ای می رسد که به گواه بیشتر منتقدان، بزرگ ترین اشکال اثر است؛ انتخابی شتاب زده و پرابهام که نه از قواعد سینمایی تبعیت می کند، نه نسبت با اصول اخلاقی فیلم دارد، نه حتی به درستی برای مخاطب تشریح می شود. این پایان عجیب، نسبت روشنی با الحن رسا و ملموس فیلم ندارد و مخاطبانی را که یک اثر سرحال و روان را تا پایان دنبال کرده اند، پس می زند.

بازی بازیگر مشهدی در «تابستانی که برف آمد»



رضا خاوری، بازیگر مشهدی تئاتر، تلویزیون و سینمای کشور، در فیلم سینمایی «تابستانی که برف آمد» به کارگردانی نسیم فروغ به ایفای نقش می‌پردازد.

او فارغ التحصیل رشته بازیگری تئاتر از دانشگاه اراک است و بازی در نمایش های زیادی را در کارنامه کاری خود دارد اما بازی در فیلم لر دبه شهرت رسیده و به همراه این فیلم، موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از بخش نوعی نگاه کن ۲۰۱۷ شد. رضا اخلاقی را در جشنواره فیلم آنتالیا جایزه بهترین بازیگر مرد را به خود اختصاص داد. از فیلم های این بازیگر می توان به «فصل شکار» ساخته داریوش یاری، «گنجانچم» ساخته یاسمن نصرتی، «سوزن آب» ساخته بهمن شهروان، «خون خدا» ساخته مرتضی علی عباس میرزایی و «لارو» ساخته علیرضا نسائی اشاره کرد. همچنین در سریال آسپرین (فرهاد نجفی) ۹۵-۱۳۹۴ وی نقش وحید را بازی کرده است. فیلم برداری «تابستانی که برف آمد» در تهران ادامه دارد.

بازی برادران هاشمی در «گورکن»



سید هادی عامل هاشمی، و سید علی عامل هاشمی، دو برادر مشهدی تئاتر، تلویزیون و سینما، در فیلم کوتاه «گورکن» نقش آفریده اند. «گورکن» روایتی کوتاه از یک داستان معمایی در دهه ۵۰ است و با

مشارکت سازمان هنری رسانه ای اوج، باشگاه فیلم سورده و کارگاه فیلم نزدیک، تولید و آماده نمایش شد. لیست.

اکران «دوزیست» با حضور جواد عزتی در مشهد



فیلم سینمایی «دوزیست»، چهارشنبه ۳ شهریور با حضور جواد عزتی در چهار سینمای مشهد به اکران مردمی در می آید. این برنامه ساعت ۱۵:۳۰ در پردیس سینمایی هویزه، ۱۷:۳۰ در پردیس سینمایی پارک بازار، ۱۹:۳۰ در پردیس سینمایی اطلس و ۲۱:۳۰ در پردیس سینمایی ویلاژ تور یست برگزار می شود. «دوزیست»، به نویسندگی و کارگردانی پرونیك نژاد که از ۲۰ مرداد، در سینماهای فعال مشهد به اکران درآمده است، تولید سال ۱۳۹۸ است و در بخش سودای سیمرغ سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت.

اکران «در مسیر باران» در پاتوق فیلم کوتاه



از سری برنامه های هفتگی پاتوق فیلم کوتاه که انجمن تهیه کنندگان فیلم برگزار می کند، به اکران و نیز نشست نقد و بررسی فیلم انیمیشن «در مسیر باران» به نویسندگی سعید تشکری و کارگردانی حامد کاتبی اختصاص دارد. این

فیلم شبیه شهپور، ساعت ۱۶ در سینما هویزه مشهد به نمایش در می آید. در این اثر ۵۰ دقیقه ای که محصول سال ۱۳۹۷ است، امین زندگانی، رحیم نوروزی، محمد رضا شیرخانلو، محمد جهانپا و فرخ نعمتی، نقش می آفرینند. «در مسیر باران»، داستان فردی به نام ریان است که بنا به دلایلی به سفری می رود که در جریان آن با ماجراهای زیادی روبه رومی شود.

اکران «بانک زده ها»؛ اثر فیلم ساز مشهدی



فیلم سینمایی «بانک زده ها»، به کارگردانی جواد اردکانی، از دوم شهریور در سینماهای کشور اکران می شود. «بانک زده ها»، اثری در ژانر «کمدی موزیک مال شده سیاه» معرفی شده است و نسرین

مقالو، قاسم زارع، میرطاهر مظلومی، زنده یاده علی انصاریان، بیژن بنفشه خواه و سحر قریشی جزو بازیگران آن هستند.

معرفی داوران جشنواره خراسان گرد



داوران بخش نقالی و پرده خوانی رضوی دومین جشنواره خراسان گرد هستند. علاقه مندان به شرکت در این جشنواره، می توانند آثارشان را در زمینه های نقالی، پرده خوانی یا موضوعات زندگی نامه، روایات، معجزات، کرامات، مداحی یا سوگواره مرتبط با امام رضا(ع)، تا ۱۵ شهریور ارسال ارسال کنند.